

رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر ناظر به الزامات و محدودیت‌های

دادرسی علنی در محاکم ملی

(مقاله علمی-پژوهشی)

مرتضی راسته*

حسنعلی مؤذن‌زادگان**

پیمان دولت‌خواه پاشاکی***

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۸

چکیده

پذیرش اصل علنی بودن دادرسی به‌عنوان یکی از مصادیق بنیادین دادرسی منصفانه در نظام اروپایی حقوق بشر، ریشه در عملکرد دادگاه‌های تفتیش عقاید در قرون وسطی دارد. فقدان علنی بودن محاکمات و تضییع حقوق متهم در این دادگاه‌ها، زمینه این استنباط را در اندیشه اروپایی ایجاد کرده است که غیرعلنی بودن رسیدگی و نادیده انگاشتن حقوق متهم، دو قضیه مرتبط به هم تلقی می‌شوند. بر همین اساس، دادرسی علنی با این استدلال توجیه می‌شود که نظارت عمومی، زمینه‌های بی‌عدالتی در دستگاه عدالت کیفری را به حداقل خواهد رساند. لذا دستیابی به این مهم، محتاج الزامات و سازوکارهایی است که به این اصل شخصیت می‌بخشد و باعث قوام آن می‌گردد؛ زیرا حق بر دادرسی علنی، یک مفهوم ترکیبی و قابل تجزیه به اجزای مختلف است که برای درک و تبیین مفهوم واقعی و دقیق این حق، بایستی مجموع آن الزامات را مورد توجه قرار داد. با این حال در موضوعاتی خاص، علنی بودن دادرسی می‌تواند همانند هر اصلی، دارای استثنا و محدودیت‌های قانونی نیز باشد. لذا در این نوشتار کوشیده‌ایم تا با مطالعه و بررسی آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر و با روش توصیفی-تحلیلی، رویه قضایی این دادگاه در خصوص الزامات و محدودیت‌های دادرسی علنی در محاکم ملی را مورد ارزیابی قرار دهیم. نتیجه پژوهش بیانگر آن است که به‌طور کلی دادگاه اروپایی توانسته است با عملکردی مقتدرانه و رویه‌ای به دور از تزلزل، الزامات مربوط به تحقق واقعی دادرسی علنی را به نحوی قابل قبول اجرایی نماید و محدودیت‌های آن را در راستای حاکمیت اصل علنی بودن دادرسی، تنظیم و تعدیل کند.

کلید واژگان:

دادرسی علنی، دادگاه اروپایی حقوق بشر، الزامات، محدودیت‌ها.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس (نویسنده مسئول)

morteza.rasteh313@gmail.com

** استاد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی

moazenzadegan@atu.ac.ir

*** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی
peyman.d77@atu.ac.ir

مقدمه

دادگاه اروپایی حقوق بشر^۱ که در استراسبورگ^۲ واقع است، در سال ۱۹۵۹ میلادی و به منظور تفسیر و نظارت بر حسن اجرای حقوق مندرج در کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی^۳ که اغلب تحت‌عنوان «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» شناخته می‌شود، تشکیل گردید. از مهم‌ترین این حقوق، حق بر دادرسی علنی مندرج در بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون^۴ است که در خصوص نقض آن، هرساله شکایات متعددی در دادگاه اروپایی مطرح می‌گردد.

دادرسی علنی از یک سو دارای مفهومی کاربردی و فایده‌گرا است که هدف آن صرفاً در دسترس بودن جلسات دادگاه نیست، بلکه به‌عنوان ابزاری در جهت اطمینان از نظارت عمومی بر عملکرد دستگاه قضایی و اجرای صحیح عدالت طبق قانون، شناخته می‌شود^۵ و از سوی دیگر، دارای مفهومی ترکیبی و چندوجهی است که با فهرست قابل‌توجهی از الزامات احاطه‌شده و تنها در صورت رسمیت آن‌هاست که دادرسی علنی قابل تحقق است. با این حال، علنی بودن دادرسی به‌عنوان یکی از اهداف اصلی اجرای عدالت، در کنار سایر اهداف قرار می‌گیرد، نه در رأس آن‌ها.^۶ لذا زمانی که در یک موضوع خاص، دادرسی علنی اجرای صحیح عدالت را تضمین نکند و اطمینان از منصفانه بودن دادرسی مستلزم برگزاری غیرعلنی آن باشد، اصرار بر علنی بودن، غیرقابل توجیه خواهد بود.

امروزه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و حقوق به‌رسمیت شناخته‌شده در قانون اساسی دولت‌ها به‌طور فزاینده‌ای با هم درآمیخته‌اند؛ بدین‌گونه که این دو منبع حقوقی (قانون اساسی و

1. European Court of Human Rights (ECtHR)

2. Strasbourg

3. Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedom (1950).

۴. «هر کس حق دارد که به دعوی او به‌طور منصفانه و علنی... رسیدگی شود... حکم دادگاه باید به‌طور علنی صادر شود و اعلان گردد، اما با این حال در جهت منافع اخلاق، نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه دموکراتیک، یا هنگامی که منافع نوجوانان یا مسائل خصوصی زندگی اصحاب دعوی ایجاب نماید، یا در صورتی که ممکن است با توجه به اوضاع و احوال خاص یک پرونده، علنی بودن رسیدگی به منافع و مصالح عدالت لطمه بزند و دادگاه نیز ضرورت محض آن را تشخیص دهد، ورود عموم مردم و رسانه‌های گروهی به محل تشکیل جلسات دادگاه می‌تواند در تمام مدت رسیدگی یا بخشی از آن، ممنوع گردد».

5. Rodrick, Sh. "Achieving The Aims of Open Justice? The Relationship Between The Courts, The Media And The Public", *Deakin Law Review*, No.1, 2014, P 123.

6. Cunliffe, E. "Open Justice: Concepts and Judicial Approaches", *Federal Law Review*, No.3, 2012, P 398.

کنونسیون) نسبت به یکدیگر کاربرد تکمیلی و در برخی موارد هم‌پوشانی دارند.^۱ بر همین اساس، هدف از طرح موضوع، آگاهی و گره‌گشایی از رویه قضایی دادگاه اروپایی به‌عنوان یگانه مرجع صیانت‌کننده از مفاد کنوانسیون، در خصوص ساختار دادرسی علنی و تقویت الزامات آن و همچنین تنظیم و تعدیل محدودیت‌های اعمال این حق در محاکم ملی، است. لذا مطالعه و مذاقه در احکام صادره از سوی دادگاهی که اغلب به‌عنوان پیشرفته‌ترین و به‌روزترین نهاد قضایی و نظارتی حقوق بشری در نظر گرفته می‌شود و همچنین استفاده از معیارها و استانداردهای مورد پذیرش آن در قوانین و مقررات داخلی که نقش بسزایی در تحول حقوق بین‌الملل بشر و توسعه قضایی یک کشور دارد، ضرورت انجام این پژوهش است.

این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای، با بررسی نظرات علمای حقوق و تبیین معروف‌ترین قضایا و جدیدترین پرونده‌های مطروحه در دادگاه اروپایی حقوق بشر و ارزیابی تصمیمات قضات استراسبورگ، در پی پاسخ به این سؤال خواهد بود که آیا رویه قضایی دادگاه اروپایی در رابطه با الزامات دادرسی علنی در محاکم ملی، منطبق بر موازین بین‌المللی به‌خصوص اصول و معیارهای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بوده است یا خیر؟ همچنین دستیابی به پاسخ این پرسش که دادگاه اروپایی از چه ابزاری در جهت تنظیم و تعدیل محدودیت‌های دادرسی علنی در محاکم ملی استفاده نموده است، یکی از دغدغه‌های اصلی نویسندگان این مقاله در خصوص انجام چنین پژوهشی است.

با این مقدمه، سازمان مقاله به این ترتیب خواهد بود که در بخش اول، به بیان الزامات دادرسی علنی در محاکم ملی می‌پردازد و رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر را در این خصوص بررسی می‌نماید و در بخش دوم، با تبیین محدودیت‌های علنی بودن دادرسی در محاکم ملی با توجه به مصادیق مندرج در بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون، عملکرد دادگاه اروپایی را در رابطه با تنظیم و تعدیل این محدودیت‌ها، مورد ارزیابی قرار خواهد داد.

۱. جلالی، محمد و سوگل سودیر، تأثیر دیوان اروپایی حقوق بشر در نظام حقوق داخلی دولت‌های اروپایی، مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۳۹۹، شماره ۱، ص ۶۱.

۱. الزامات حق بر دادرسی علنی در محاکم ملی

اگرچه در متن کنوانسیون، بخش مجزایی تحت عنوان الزامات دادرسی علنی اختصاص داده نشده است، در رویه دادگاه اروپایی معمولاً این الزامات و حقوق تضمین‌کننده آن، تحت عنوان کلی‌تر «انصاف در دادرسی»^۱ بررسی می‌شوند.^۲ در واقع، سازوکارهای مربوط به این موضوع سبب خواهند شد دادرسی به شکل منصفانه صورت پذیرد و اصل علنی بودن دادرسی به طرز صحیح و بی‌نقص اجرا شود. در غیر این صورت، ساختار دادرسی علنی حتی با نبود یکی از این الزامات، تحت الشعاع قرار خواهد گرفت. در ادامه، به تبیین هریک از این مصادیق می‌پردازیم.

۱.۱. قابلیت حضور عموم مردم در جلسات دادرسی^۳

علنی بودن دادرسی در مفهوم حقیقی آن، به معنای برداشتن گام‌هایی است که به موجب آن عموم مردم قادر باشند با حضور در دادگاه‌ها، بر فرایند دادرسی نظارت کنند. لذا از یک سو، محل برگزاری جلسه باید به نحوی باشد که افراد بتوانند به سهولت به آن دسترسی داشته باشند و از سوی دیگر، زمان بندی برگزاری دادرسی‌ها نیز باید به گونه‌ای باشد که افراد بتوانند به موقع خود را به دادگاه برسانند. بر این اساس، تشکیل دادگاه در مکانی خارج از شهر یا برگزاری دادگاه در آخر هفته یا در ساعات پایانی شب و حتی صبح خیلی زود، سبب می‌گردد که همچنان بسیاری از نگرانی‌های مربوط به عدم دسترسی عموم جهت حضور در سالن دادگاه‌ها، باقی بماند.^۴ به همین منظور، دادگاه اروپایی حقوق بشر، محاکم ملی را موظف کرده است که اطلاعات مربوط به زمان و مکان جلسه دادرسی علنی را در دسترس عموم قرار دهند و امکانات لازم و کافی را برای افراد علاقه‌مند به حضور در دادگاه، فراهم نمایند. در غیر این صورت، محاکمه واجد وصف منصفانه نیست و با الزامات علنی بودن مطابقت نخواهد داشت.^۵

موضوعی که در مورد محل تشکیل جلسه دادرسی قابل طرح می‌باشد این است که آیا برگزاری محاکمه در مکانی خارج از ساختمان دادگستری، دادرسی علنی محسوب می‌شود؟ در

1. Fairness in Hearing

2. Vitkauskas, Dovydas. and Grigory Dikov. *Protecting the right to a fair trial under the European Convention on Human Rights*, 2nd Ed, Strasbourg :Conseil of Europe, 2017, P 69.

3. Ability of General Public Attendance at Hearings

4. Goundry, F. W. "When Can the Courtroom Be Closed in Criminal Proceedings?", *University of Baltimore Law Forum*, No.1, 1990, P 19.

5. Case of Hummatov v. Azerbaijan (Nos. 9852/03 and 13413/04), 2007, Para 144.

این رابطه، دادگاه اروپایی معتقد است که چنین موردی لزوماً و به خودی خود موجب سلب دعوی از ماهیت علنی آن نمی‌شود؛ لیکن در این‌گونه موارد، باید تمامی شرایط و ضوابط مربوط به یک جلسه دادرسی علنی در آن مکان رعایت گردد و بدین ترتیب، محاکم ملی موظفانند اقدامات و تدابیر جبرانی را در این خصوص اتخاذ نمایند.^۱

در رابطه با حضور عموم مردم در جلسات دادرسی، توجه به چند نکته زیر ضروری است: نخست، کسانی که در جلسه دادگاه به‌عنوان نظاره‌گر حاضر می‌شوند حق هیچ‌گونه اظهارنظری نداشته، در تمام طول مدت رسیدگی باید ساکت مانده و از جانبداری به نفع یکی از طرفین خودداری نمایند. رئیس دادگاه می‌تواند کسانی را که باعث برهم‌زدن نظم جلسه دادگاه می‌شوند، حسب مورد از دادگاه اخراج کند یا دستور توقیف آن‌ها را صادر نماید.^۲

دوم، در مواردی که ممنوعیت عام وجود ندارد و فقط به افراد خاصی اجازه ورود به جلسه دادرسی داده نمی‌شود، رسیدگی همچنان علنی است، اما چنانچه جلسه دادگاه در محلی تشکیل شود که بر روی تنها درب آن، کلمه «خصوصی»^۳ نوشته شده باشد، بی‌هیچ تردید باید گفت که علنی بودن دادرسی دچار خدشه شده است؛ هرچند قاضی رسیدگی‌کننده قبلاً دستور برگزاری علنی این جلسه را صادر نموده باشد.

سوم اینکه قابلیت حضور عموم مردم در جلسات دادرسی به معنای نبود مانع و فراهم نمودن امکانات کافی برای حضور افراد علاقه‌مند می‌باشد و بدیهی است که محاکم ملی هیچ الزامی به تشویق و ترغیب مردم به شرکت در جلسات دادرسی ندارند و در مقابل، افراد جامعه نیز تکلیفی به حضور در دادگاه ندارند.

مسئله مهمی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که اگر دادرسی در مرحله بدوی، بدون دلیل موجه به‌صورت غیرعلنی و بدون حضور عموم مردم برگزار شود، آیا تشکیل جلسه دادرسی علنی در مرحله تجدیدنظر، ایراد غیرعلنی بودن دادگاه بدوی را مرتفع می‌نماید یا خیر؟ دادگاه اروپایی در پرونده‌های تحت رسیدگی خود، این موضوع را از دو جهت بررسی نمود و اظهار داشت در مواردی که دادگاه تجدیدنظر صلاحیت ورود به ماهیت دعوی، از جمله بررسی حقایق و ارزیابی

1. Case of Riepan v. Austria, (No.35115/97), 2000, Para 29.

۲. خالقی، علی، **علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی**، پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۳، شماره ۵، ص ۴۲.

3. Private

تناسب جرم ارتكابی و حکم مجازات صادرشده را نداشته باشد، رسیدگی علنی در این مرحله نمی‌تواند غیرعلنی بودن مرحله بدوی را اصلاح کند؛^۱ اما اگر دادگاه تجدیدنظر صلاحیت کامل برای ورود به ماهیت دعوی را داشته باشد و تمام شواهد و مدارک در حضور متهم و در چارچوب یک محاکمه علنی مجدداً بررسی شود، علنی بودن دادرسی در این مرحله می‌تواند فقدان حضور عموم مردم در مرحله بدوی را جبران نماید.^۲

بنا بر آنچه آمد، می‌توان نتیجه گرفت که از نظر دادگاه اروپایی، عواملی که به‌طور عملی مانع از اعمال حق دادرسی علنی در محاکم ملی می‌شود نیز می‌تواند با حقوق بشر و اصل دادرسی منصفانه مغایرت داشته باشد. بر همین اساس، عدم استماع علنی ممکن است ناشی از نامشخص بودن زمان و مکان محاکمه، غیرقابل دسترس بودن مکان دادرسی، نامناسب بودن زمان شروع رسیدگی، فضای ناکافی در دادگاه یا اعمال شرایط نامعقول هنگام ورود عموم مردم به دادگاه باشد.

۱.۲. حضوری و شفاهی بودن دادرسی^۳

دادگاه اروپایی حقوق بشر در تصمیمی که می‌توان آن را یکی از گام‌های مؤثر و سازنده ارکان اصل دادرسی منصفانه و علنی مندرج در کنوانسیون اروپایی دانست، پذیرفته است که گرچه در بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون، حق حضور متهم در دادگاه به صراحت ذکر نشده است؛ اما هدف از این ماده به‌طور کلی نشان می‌دهد که شخص متهم حق دارد در جلسه دادرسی شرکت کند و تضمین این حق، به‌عنوان یکی از الزامات اساسی ماده ۶ کنوانسیون شناخته شده است.^۴ همچنین در رویه قضایی این دادگاه، حق علنی بودن دادرسی به گونه‌ای تفسیر شده است که ناگزیر و ضرورتاً شامل حق دادرسی شفاهی نیز می‌شود.^۵ بر همین اساس، قضات استراسبورگ بر این عقیده‌اند که اگر متهم تصمیم به استفاده از حق حضور در جلسه دادگاه و دادرسی شفاهی داشته باشد، اما محاکم ملی به‌نحوی او را از زمان و مکان جلسه رسیدگی مطلع نکرده باشند و از این نظر، وقت کافی برای آماده‌سازی دفاعیات و فرصت حضور در آن جلسه و استدلال شفاهی را از وی گرفته باشند، مفهوم و ماهیت حق رسیدگی علنی دچار خدشه خواهد شد.^۶

1. Case of Carvalho v. Portugal (Nos.55391/13; 57728/13 and 74041/13), 2018, Para.192.

2. Case of Krekhalev v. Russia (No.72444/14), 2020, Para.24.

3. In-presence and Oral Hearing

4. Case of Hermi v. Italy (No.18114/02), 2006, Paras.58-59.

5. Case of Transkop Ad Bitola v. North Macedonia (No.48057/12), 2021, Para.27.

6. Case of Korchagin v. Russia (No.12307/16), 2018, Para.65.

توجه به نکاتی چند در خصوص موضوع حضوری و شفاهی بودن دادرسی، ضروری به نظر می‌رسد. نخست اینکه عدم شرکت متهم در جلسه دادرسی به سبب حضور او در بازداشتگاه نیز موجب ورود خدشه به حق دفاع مؤثر وی خواهد شد. دادگاه اروپایی در یکی از جدیدترین پرونده‌های تحت‌رسیدگی خود که علیه دولت روسیه مطرح گردید، با استناد به اینکه متقاضی در زمان تشکیل دادگاه علنی، در بازداشتگاه بوده و فرصتی برای شرکت در آن جلسه به او داده نشد، به دلیل عدم رعایت یکی از الزامات دادرسی علنی، حکم به نقض بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون داد. ^۱ البته این دادگاه از قبل پذیرفته است که حق دادرسی حضوری و شفاهی در برخی مواقع لزوماً و به خودی‌خود نیاز به حضور فیزیکی متهم ندارد و مثلاً ارتباط ویدئوکنفرانس با بازداشتگاه نیز می‌تواند نوعی اطمینان به حصول اهداف آن باشد. ^۲

دوم اینکه به دلیل قواعد و اصول حاکم بر وکالت در محاکم، لزوماً حضور شخص متهم در دادگاه ضرورت ندارد و صرف حضور وکیل وی کفایت می‌کند؛ زیرا در این صورت از یک‌سو، وصف منصفانه بودن دادرسی تقویت می‌شود و از سوی دیگر، از طریق حضور وکیل متهم در یک جلسه دادرسی علنی، می‌توان امکان دفاع مؤثری را به متهم داد و اعتماد عمومی را به سیستم عدالت کیفری ارتقا بخشید. دادگاه اروپایی ضمن پذیرش این موضوع، نتیجه گرفت که به طریق اولی، زمانی که متهم در دادگاه حضور دارد اما به دلایلی قادر به دفاع مؤثر از خود نیست، حضور وکیل متهم می‌تواند دادرسی را واجد وصف دادرسی حضوری نماید. ^۳

سوم، با بررسی آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر مشخص می‌شود که حضوری و شفاهی بودن دادرسی در یک جلسه علنی، از نظر ضرورت حق وی مبنی بر پرسش از شهود طرف مقابل و به چالش کشاندن شهادت آن‌ها نیز دارای اهمیت بسیاری است. بدین‌سان که، صداقت شهود را در بیان حقایق تضمین می‌نماید و نقض بی‌طرفی آن‌ها را در حضور تماشاچیان برملا می‌سازد. ^۴

چهارم، حضوری بودن دادرسی را نمی‌توان یک حق مطلق و استثناء‌ناپذیر دانست. لذا دلایلی وجود دارد که می‌تواند به‌عنوان مبنای تجویز محاکمات غیابی مورد استناد قرار گیرد. در این راستا، دادگاه اروپایی حقوق بشر در تعدادی از آرای خود، پذیرفته است که اگر متهم فرار کرده

1. Case of Antonov v. Russia (No.72900/11), 2022, Paras.5-7.

2. Case of Vasilyev v. Russia (No.28370/05), 2012, Para.84.

3. Case of Stanford v. The United Kingdom (No.16757/90), 1994, Paras.30-32.

4. Case of Jussila v. Finland (No.73053/01), 2006, Para.40.

باشد یا از حق حضور خود اعراض نموده باشد و یا به واسطهٔ اخلال در نظم دادگاه از جلسه اخراج شده باشد، محاکم ملی این امکان را دارند که با وجود شرایطی، جلسهٔ دادرسی را بدون حضور متهم برگزار نمایند.^۱ فلسفهٔ جواز محاکمهٔ غیابی در چنین مواردی را باید در جلوگیری از سوءاستفادهٔ متهم از حق دادرسی حضوری و همچنین اجتناب از معدوم شدن ادله، انقضای مدت تعقیب و اطلاع بی‌مورد دادرسی جست‌وجو نمود. بر این اساس، غیبت غیرموجه متهم در جلسهٔ دادرسی نباید مانع برگزاری دادرسی علنی شود؛ زیرا در چنین حالتی ممکن است مسیر صحیح دادرسی کیفری منحرف گردد.

در مجموع باید اذعان نمود که رویکرد و نحوهٔ عمل دادگاه اروپایی، به شکل قابل قبولی به تضمین دادرسی حضوری و شفاهی و صیانت از مؤلفه‌های ضروری آن‌ها به‌عنوان یکی از الزامات دادرسی علنی در محاکم ملی پرداخته است.

۱.۳. پوشش رسانه‌ای جلسات دادرسی^۲

از یک طرف به دلیل اینکه اتاق‌های دادگاه ظرفیت محدودی برای اسکان عموم مردم دارند و از طرف دیگر، از آنجا که اکثر مردم به دلیل داشتن مشغله یا دور بودن از محل برگزاری دادرسی، هرگز به‌طور فیزیکی در جلسهٔ دادگاه شرکت نمی‌کنند، لذا پوشش رسانه‌ای جلسات دادرسی و انتشار جریان آن در رسانه‌ها، تنها راه دستیابی خیل عظیمی از مردم به اطلاعات دادرسی و نظارت آن‌ها در زمینهٔ عملکرد سیستم قضایی است.

پوشش رسانه‌ای جلسات دادرسی در درجه‌ای از اهمیت قرار دارد که به‌رغم اینکه علنی بودن دادرسی در استانداردها و اسناد مختلف حقوق بشری مورد حمایت قرار گرفته است، اما بر حضور رسانه‌ها در دادگاه به‌طور مستقل ذیل عنوان دادرسی منصفانه و در قالب آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات نیز تأکید شده است.^۳ در این زمینه، آزادی بیان دو جنبهٔ مرتبط به هم دارد: ۱- مردم حق دارند اطلاعات مربوط به دادگاه‌ها را دریافت کنند؛ ۲- رسانه‌ها وظیفه دارند این اطلاعات را

1. For Example: Case of Chong Coronado v. Andorra (No.37368/15), 2020, Paras.42-45; — Case of Lena Atanasova v. Bulgaria (No.52009/07), 2017, Para.52; — Case of Idalov v. Russia (No.5826/03), 2012, Paras.175-177; — Case of Colozza v. Italy (No.9024/80), 1985, Para.29.

2. Media Coverage of Hearings

3. Anite, C. *Open Justice: A Closed or Open Reality For Uganda's Media?*, First Ed, Kampala: Freedom of Expression Hub, 2019, P 9.

به مردم منتقل کنند.^۱ از این رو، می‌توان اذعان نمود آزادی بیان نقش مهمی در خودشکوفایی افراد، کشف حقیقت و مشارکت در دموکراسی دارد.^۲ در همین راستا، دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز در جهت قوام اصل علنی بودن دادرسی‌ها، آزادی بیان را نیز مورد حمایت قرار می‌دهد و آن را یکی از پایه‌های اساسی یک جامعه مردم‌سالار معرفی می‌نماید و حفاظت از منابع مورد استناد رسانه‌ها را یکی از شرایط اساسی آن برمی‌شمرد و معتقد است که بدون چنین حمایتی، ممکن است نقش رسانه‌ها به‌عنوان ناظر عمومی، تضعیف شود و در توانایی آن‌ها در زمینه ارائه اطلاعات دقیق و قابل اعتماد، تأثیر منفی بگذارد.^۳ این بدان معناست که رسانه‌ها حق دسترسی به اطلاعات نهادهای عمومی مانند دادگاه‌ها را دارند و این به مفهوم حضور در دادگاه‌ها و تحت پوشش قرار دادن جلسات آن در راستای اطلاع عموم مردم از روند دادرسی است. بنابراین می‌توان گفت که از منظر دادگاه اروپایی حقوق بشر، دادرسی علنی مندرج در متن کنوانسیون، متضمن سه نوع حضور است؛ حضور عامه مردم، حضور شخص متهم و حضور اصحاب رسانه.

دادگاه اروپایی به‌عنوان به‌روزترین دادگاه منطقه‌ای حقوق بشر و شایسته‌ترین الگو برای محاکم ملی، دستورالعمل مشخصی را در خصوص نحوه حضور اصحاب رسانه و همچنین چگونگی انتشار جریان دادرسی در این دادگاه، تدوین نموده است که مقامات داخلی می‌توانند از این خط‌مشی در راستای علنی کردن دادرسی برای عموم و شفافیت گسترده فعالیت‌های خویش، الگوبرداری نمایند. به‌عنوان نمونه، اصحاب رسانه باید به‌موقع و سر ساعت مقرر خود را به محل برسانند و با کارت شناسایی معتبر و کارت مطبوعاتی، وارد اتاق دادگاه شوند. در معیت سالن دادگاه، یک فضای مخصوص به نام «اتاق مطبوعات»^۴ تعبیه شده است که در آنجا جلسه دادرسی به‌طور زنده پخش می‌شود و خبرنگاران می‌توانند برای گزارش‌دهی برخط روند جلسه، به اینترنت بی‌سیم دادگاه متصل شوند و از لپ‌تاپ یا تلفن‌های همراه خود استفاده نمایند.^۵ همچنین تمام جلسات علنی دادگاه اروپایی، توسط واحد مطبوعات دادگاه فیلمبرداری می‌شود و موارد

1. Case of *Bédat v. Switzerland* (No.56925/08), 2016, Para.51.

۲. انصاری، باقر و سیده مهلا امامی‌الطریقی، **آزادی بیان و تحریک به تبعیض نژادی**، تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۹، شماره ۹۱، ص ۱۶۲.

3. Case of *Goodwin v. The United Kingdom* (No.17488/90), 1996, Para.39.

4. Press-room

5. Press Service, How to Attend a Hearing, Extracted from the Site:

<https://www.echr.coe.int/Pages/home.aspx?p=press&c=> (last visited on 04/05/2022)

ضبط‌شده، در وبسایت این دادگاه^۱ موجود است. از همین‌رو، وقتی فردی نتواند به استراسبورگ سفر کند تا شخصاً در جلسه دادرسی این دادگاه حضور داشته باشد، امکان تماشای فیلم ضبط‌شده آن جلسه برای وی وجود دارد.

در پایان باید خاطرنشان کرد که اگرچه دادگاه اروپایی تأکید بسیاری بر آزادی رسانه‌ها و رعایت آن داشته است و حضور اصحاب رسانه را یکی از الزامات مهم تحقق دادرسی علنی برمی‌شمارد، اما با وجود این، در رویه قضایی این دادگاه می‌توان گرایشی را مبتنی بر رد «دادرسی رسانه‌ای»^۲ مشاهده کرد.^۳

۱.۴. علنی بودن حکم^۴

حکم بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون و رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر حاکی از آن است که ماهیت اصل علنی بودن، دو جنبه را دربر می‌گیرد: «علنی بودن جلسات رسیدگی» و «علنی بودن احکام».^۵ با مطالعه و بررسی اسناد حقوق بشری مشخص می‌شود که در خصوص علنی بودن حکم، کنوانسیون اروپایی موضع متفاوت و سختگیرانه‌تری را اتخاذ نموده است؛ بدین‌صورت که بدون پذیرش هیچ نوع استثنا و محدودیتی، بر لزوم علنی بودن احکام حتی در صورت علنی نبودن جلسه رسیدگی، تأکید کرده است. مؤید این موضوع، رأی دادگاه اروپایی در دعوی کمپیل و فل علیه انگلستان است که در آن، قضات استراسبورگ هرگونه محدودیت (حتی ضمنی) را در این خصوص رد کرده و آن را مغایر بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون شناخته‌اند.^۶

در خصوص صدور علنی احکام و انتشار آن‌ها، توجه به چند نکته زیر ضروری است: نخست، اگر برگزاری علنی جلسه دادرسی با محدودیت‌های غیرقانونی مواجه گردد، حتی علنی بودن حکم و انتشار عمومی آن نیز نمی‌تواند نقض دادرسی منصفانه به‌واسطه محرمانه بودن غیرقانونی جلسه رسیدگی را توجیه نماید. در این رابطه، تأثیرگذارترین تصمیم دادگاه

1. www.echr.coe.int

۲. این اصطلاح، کنایه از تکیه زدن رسانه‌ها بر کرسی قضاوت و رسیدگی به اتهام متهمین است.

۳. یآوری، اسدالله، رعایت اصل برائت در رسیدگی‌های شبه قضایی در حقوق فرانسه «در پرتو

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، تحقیقات حقوقی، ۱۳۸۸، شماره ۴۹، صص ۳۷۲-۳۷۳.

4. Publicity of the Judgment

5. Case of Tierce And Others v. San Marino (Nos.24954/94; 24971/94 and 24972/94), 2000, Para.93.

6. Case of Campbell and Fell v. The United Kingdom (Nos.7819/77 and 7878/77), 1984, Para.90.

اروپایی حقوق بشر را در قضیه آرتموف می‌توان یافت. دادگاه اروپایی در این پرونده با تأکید بر اینکه حق برخورداری از دادرسی علنی و حق علنی بودن حکم، دو حقوق جداگانه طبق ماده ۶ کنوانسیون هستند، یادآور می‌شود که رعایت یکی از این حقوق در فرایند دادرسی لزوماً به معنای نقض نشدن دیگری نیست.^۱

دوم اینکه در هر پرونده، شکل علنی کردن و نحوه انتشار احکام در محاکم ملی باید با توجه به ویژگی‌های خاص دادرسی مربوطه، مورد بحث و ارزیابی قرار گیرد. دادگاه اروپایی پذیرفته است که به‌عنوان یک قاعده کلی، حکم زمانی علنی محسوب می‌شود که یا در جلسه دادگاهی که برای عموم آزاد است به‌صورت شفاهی اعلام و قرائت شود، یا پس از صدور فوراً به‌صورت کتبی منتشر گردد و در دسترس عموم قرار گیرد، یا با ترکیبی از این دو روش، علنی شده باشد.^۲ لذا معیار تعیین علنی محسوب شدن حکم، قابلیت دسترسی حکم برای عموم مردم است و دادگاه‌ها الزامی به قرائت کامل متن حکم خود در جلسه علنی ندارند؛ زیرا انتشار آن به‌صورت کتبی کافی است.^۳ یکی از مؤثرترین روش‌های انتشار و دسترسی عموم به احکام صادره، بارگذاری متن کامل دادنامه‌ها در وبسایت دادگاه مربوطه است. در همین راستا، وبسایت دادگاه اروپایی حقوق بشر که دارای محتوایی بسیار غنی و پر بار است، تا اواخر سال ۲۰۲۲ میلادی، حدود شصت و هفت هزار رأی این دادگاه را به چندین زبان، در دسترس عموم مردم قرار داده است.

سوم اینکه مرجع رسیدگی نمی‌تواند در تصمیم خود، صرفاً به اعلام محکومیت یا براءت یا سایر تصمیم‌ها بسنده نماید، بلکه در هر مورد باید به‌طور مستدل و با استناد به مواد قانونی و اصول کلی حقوق، رأی صادر، و رأی خود را توجیه نماید.^۴ یکی از مترقی‌ترین آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر که دامنه اثرگذاری مؤلفه‌های حق علنی بودن احکام را مشخص نموده، در مورد شکایتی است که علیه دولت روسیه مطرح شده است. دادگاه اروپایی در این پرونده اظهار

1. Case of Artemov v. Russia (No.14945/03), 2014, Paras.109-110.

2. Case of Sutter v. Switzerland (No.8209/78), 1984, Para.34.

3. Pejic, Jelena. and Vanessa Lesnie. *What Is a Fair Trial (A Basic Guide to Legal Standards and Practice)*, 2nd Ed, New York: Lawyers Committee for Human Rights, 2000, P 13.

۴. مهرا، نسرين و غلامرضا قلی‌پور، *اساسی‌سازی نسبی دادرسی منصفانه در قانون اساسی مشروطه*، پژوهش حقوق کیفری، ۱۴۰۰، شماره ۳۴، ص ۸۱.

داشت که به دلیل غیرقابل دسترس بودن دلایل و مستندات که باعث درک عموم مردم از چرایی رد ادعاهای خواهان می‌شود، بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون نقض گردیده است.^۱ با توجه به آنچه آمد، می‌توان اذعان نمود که الگوبرداری محاکم ملی از رویه و نحوه عملکرد دادگاه اروپایی که به‌عنوان مترقی‌ترین دادگاه حقوق بشری شناخته می‌شود، به علنی بودن و شفافیت احکام صادره آن‌ها کمک خواهد کرد.

۲. محدودیت‌های حق بر دادرسی علنی در محاکم ملی

دادگاه اروپایی حقوق بشر ضمن تأکید بر اینکه علنی بودن جلسه دادرسی یک اصل اساسی است که در راستای حمایت از حقوق متهم در بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون ذکر شده است، الزام به برگزاری چنین جلسه‌ای را مطلق نمی‌داند و با تأسی از حکم این ماده، محاکم ملی را با توجه به موضوع و ویژگی‌های خاص پرونده‌ای که به آن‌ها ارجاع می‌شود و به منظور حفظ منافع این موضوعات، برای عدول از این اصل منع نمی‌کند.^۲ در ادامه، به تشریح هر یک از این محدودیت‌های قانونی خواهیم پرداخت.

۲.۱. منافع اخلاق^۳

در بسیاری از موارد، جزئیات پرونده ممکن است به قدری ناشایست باشد که منجر به آسیب رساندن به اخلاق عمومی گردد. در این بین، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی که محدود کردن حقوق و آزادی‌های افراد توسط اخلاق با آن مواجه است، گستره اخلاقیات است که در برخی از جوامع علاوه بر تکثر، دارای ابهام و کلیت نیز است؛ چنان‌که در نظریه‌های اروپایی حقوق بشر به نسبی بودن اخلاقیات و بی‌شماری مؤلفه‌ها و عناصر اخلاقی اشاره شده است.

در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، علی‌رغم به رسمیت شناختن منافع اخلاق به‌عنوان محدودیتی بر دادرسی علنی، در رابطه با مفهوم و گستره آن، هیچ‌گونه سازوکاری وجود ندارد. با این حال، از آنجا که کنوانسیون و قواعد و مقررات آن، مجموعه‌ای از یک سند زنده و پویا بوده و مفاهیم آن نه تنها نسبت به مفاهیم رایج و مشترک در نظام‌های داخلی مستقل است، بلکه در

1. Case of Biryukov v. Russia (No.14810/02), 2008, Paras.45-46.

2. Case of Mraović v. Croatia (No.30373/13), 2020, Para.45.

3. The Interests of Morals

یک چارچوب و کادر بسته در زمان تصویب باقی نمانده و ضمن وفاداری به اهداف و روح کلی حاکم بر کنوانسیون، تفسیر از الفاظ و اصطلاحات همواره مبتنی بر واقعیات و اقتضات روز و همگام با تحولات حیات بشری در شئون مختلف آن در قلمرو کشورهای عضو بوده است،^۱ بر همین اساس، دادگاه اروپایی حقوق بشر در خصوص حمایت از اخلاق، با این توجیه که در احکام حقوقی و اجتماعی کشورهای متعاقد نمی‌توان یک مفهوم اروپایی یکسان از اخلاق پیدا کرد و مقامات دولتی اصولاً در موقعیت بهتری نسبت به قضات بین‌المللی برای اظهارنظر در مورد محتوای دقیق الزامات مربوط به اخلاق هستند، تفسیر این واژه را بر عهده مقامات قضایی ملی قرار داد.^۲ البته با نگاهی به سابقه دادگاه اروپایی، مشخص می‌گردد که چنین موضوعی سال‌ها بعد مجدداً در رسیدگی به پرونده‌ای دیگر توسط قضات استراسبورگ مورد توجه قرار گرفت؛ اما با این تغییر رویکرد که این دادگاه علی‌رغم اینکه حاشیه تفسیر^۳ را مدنظر قرار داد و تعریف و تعیین مصادیق اخلاق عمومی را بر عهده مقامات ملی گذاشت، لیکن حق نظارت بر عملکرد کشورها را در این خصوص برای خود محفوظ دانست.^۴

باین حال، با مذاقه در اسناد بین‌المللی و رویه نهادهای نظارتی حقوق بشر، مشخص می‌گردد غیرعلنی بودن دادرسی‌هایی که موازین اخلاقی در یک جامعه مردم‌سالار را تحت الشعاع قرار می‌دهد، شامل محدودیت‌هایی است که معمولاً در موارد سوءاستفاده جنسی و روابط نامشروع استفاده می‌شود؛^۵ زیرا علنی شدن جرایم جنسی و افشای آن، نه تنها آبرو و حیثیت افراد را زایل می‌کند، بلکه به موازین اخلاق جمعی نیز آسیب وارد می‌نماید. باین حال، دادگاه اروپایی حقوق بشر در کنار این موارد، مصادیق اخلاق عمومی را صرفاً شامل موضوعات جنسی و شهوانی نمی‌داند و حتی مواردی همچون کشتن حیوانات به قصد تفریح و ورزش را در صورتی که دولت‌ها آن را بر حسب ضرورت، خلاف اخلاق تشخیص دهند، در زمره مصادیق محدودکننده

۱. یوری، اسدالله، از «دادرسی» تا «دادرسی منصفانه»؛ تحول در مفهوم و قلمرو کلاسیک دادرسی و تضمینات آن، تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۳، شماره ۶۸، صص ۲۲۳-۲۲۲.

۲. Case of Handyside v. The United Kingdom (No.5493/72), 1976, Para.49.

۳. حاشیه تفسیر، اختیاری است که یک سند بین‌المللی یا نهاد قضایی بین‌المللی (در اینجا دادگاه اروپایی حقوق بشر) در ارزیابی پیش‌نیازهای اعمال برخی اقدامات محدودکننده حقوق، به کشورهای عضو اعطا می‌کند.

۴. Case of Open Door and Dublin Well Woman v. Ireland (No.5493/72), 1992, Para.68.

۵. Oliveira, Bárbara. and Linda Besharaty. *International Commission of Jurists Trial Observation Manual*, First Ed, Geneva: International Commission of Jurists, 2002, P 26.

حقوق مندرج در کنوانسیون پذیرفته است^۱ و دست محاکم ملی را در برگزاری غیرعلنی رسیدگی به این قبیل جرایم، باز گذاشته است. این رویکرد دادگاه اروپایی، قابل انتقاد به نظر می‌رسد. از آنجا که اخلاق عمومی علاوه بر بی‌شماری مصادیق، از گونه‌ای ابهام مفهومی نیز برخوردار است که در عمل زمینه‌ساز برداشت‌های متفاوت و بعضاً بسیار موسّع خواهد شد، لذا واگذاری تشخیص مصادیق اخلاق عمومی به دولت‌ها، ممکن است منجر به سوءاستفاده‌های احتمالی مقامات داخلی از این اختیار شود؛ به گونه‌ای که بسیاری از محاکمات کیفری را می‌توانند به واسطه منافع اخلاق، غیرعلنی برگزار نمایند. بنابراین، مهم‌ترین ضعف در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر در مسئله رسیدگی به تعارض منافع اخلاق با حق‌های فردی را باید در عدم ارائه تعریف از اخلاق عمومی و واگذاری تبیین مفهوم و تعیین مصادیق آن به دولت‌ها جست‌وجو کرد. این کاستی، در وهله نخست، باید در کنوانسیون پیش‌بینی و مرتفع می‌شد که این مهم هیچ‌گاه تحقق نیافت. در وهله بعد و در طول سال‌ها رسیدگی به مسئله تعارض، لازم بود دادگاه اروپایی در این خصوص ابتکار عمل را به دست بگیرد و تبیین و تعریفی از اخلاق عمومی ارائه دهد؛ لیکن تا زمان حاضر هیچ اقدامی در این راستا صورت نگرفته است.

۲.۲. نظم عمومی^۲

بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر همچون اکثر اسناد حقوق بشری به صراحت از نظم عمومی نام برده و به محاکم ملی اجازه می‌دهد که به منظور حفظ نظم عمومی و البته با رعایت جهاتی که به نقض غرض منتهی نگردد، محدودیت‌هایی را بر اصل دادرسی علنی اعمال نمایند. در این خصوص، توجه به چند نکته زیر ضروری است:

نخست، حتی در مواردی که امکان محدود کردن حق دادرسی علنی از سوی محاکم ملی به منظور رعایت نظم عمومی وجود داشته باشد، متهم حق حضور در جلسه دادگاهی را که در حال رسیدگی به اتهامات اوست، خواهد داشت.^۳

1. Case of Friend and Others v. The United Kingdom (Nos.16072/06 and 27809/08), 2009, Para.50.

2. Public Order

3. Robinson, M. *Trial Observation Manual for Criminal Proceedings: Practitioners Guide No.5*, First Ed, Geneva, International Commission of Jurists, 2009, P 85.

دوم اینکه دادگاه اروپایی حقوق بشر بر مبنای تصریح عنصر «ضرورت»^۱ در بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون، ضمن پذیرش اهداف دادرسی علنی مبنی بر محافظت از متهم در برابر اجرای مخفی عدالت و اطمینان از دیده شدن بیشتر عدالت و حفظ اعتماد جامعه به سیستم دادگستری،^۲ متذکر می‌شود که محاکم ملی باید قبل از محروم کردن عموم مردم و رسانه‌ها از حضور در جلسات دادرسی، دلایل مشخصی را ارائه کنند که این محرومیت برای محافظت از منافع نظم عمومی ضروری است و مجبورند غیرعلنی بودن روند رسیدگی را تا حدی که برای صیانت از آن منافع لازم است، حفظ نمایند.^۳ در همین راستا، قضات استراسبورگ اصل «تناسب»^۴ را برای تشخیص ضروری بودن محدودیتی خاص، ابزاری مناسب دانسته‌اند و اساسی بودن و اهمیت داشتن اقدامات صورت گرفته از سوی محاکم ملی به منظور رعایت نظم عمومی را مانعی در جهت نقض ماهیت حقوقی بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون تشخیص داده‌اند.^۵

سوم، با توجه به اینکه در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، هدف از تفکیک بین محاکمه و صدور حکم، به حداقل رساندن دادرسی‌های غیرعلنی و تأکید بر علنی بودن نتیجه آن است، لذا حتی اگر عموم مردم به واسطه نظم عمومی از حضور در تمام یا بخشی از جلسه دادرسی محروم شوند، تصمیم دادگاه شامل یافته‌های اساسی، شواهد و استدلال‌های قانونی، چه به صورت شفاهی و چه به صورت کتبی صادر شده باشد، باید علنی باشد و در دسترس عموم و رسانه‌ها قرار گیرد.^۶

چهارم اینکه بدیهی است محاکم ملی در هر کشور باید پاسدار نظم عمومی جامعه باشند، اما به نظر نمی‌رسد دادگاه اروپایی حقوق بشر چنین وظیفه‌ای بر عهده داشته باشد. بنابراین اگر محاکمه‌ای در یک دادگاه ملی به دلیل ملاحظات نظم عمومی، بدون حضور مردم و رسانه‌ها برگزار شود، الزامی وجود ندارد که رسیدگی به شکایت مربوطه توسط خواهان در دادگاه اروپایی نیز به منظور رعایت نظم عمومی، به شکل غیرعلنی برگزار گردد.

در پایان باید اذعان داشت، علی‌رغم اینکه دادگاه اروپایی حقوق بشر ارزیابی اولیه مفهوم و قلمرو نظم عمومی را بر عهده مقامات ملی می‌داند و اختیار تعریف آن را به دولت‌ها واگذار

1. Necessity

2. Case of Campbell and Fell v. The United Kingdom, op.cit., Paras.86-92.

3. Case of Hayrapetyan v. Armenia (No.69931/10), 2021, Para.11.

4. Proportionality

5. Case of Kennedy v. The United Kingdom (No.26839/05), 2010, Paras.184-191.

6. Case of Campbell and Fell v. The United Kingdom, op.cit., Paras.90.

می‌کند، اما چنین اختیاری را نامحدود نمی‌داند و معتقد است که در هر صورت، ارزیابی نهایی در مورد اینکه آیا اعمال این محدودیت به منظور نظم عمومی، ضروری است یا خیر، تحت هر شرایطی منوط به بررسی توسط دادگاه اروپایی برای انطباق با الزامات کنوانسیون است.^۱

۲.۳. امنیت ملی^۲

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در بند ۱ ماده ۶، به قضات محاکم ملی این جواز را داده است، در محاکمه‌هایی که برگزاری علنی آن سبب افشای اطلاعات محرمانه و طبقه‌بندی شده می‌شود و به امنیت ملی آسیب وارد می‌آورد، جلسات دادگاه را بدون حضور مردم و رسانه‌ها برگزار نمایند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا محاکم ملی به صرف اینکه اطلاعات مطروحه در دادرسی، محرمانه است، می‌توانند جلسات دادرسی را غیرعلنی برگزار کنند؟ رویه دادگاه اروپایی در چنین مواردی، تجزیه و تحلیل در خصوص موجه بودن دلایل تصمیم برای برگزاری جلسه غیرعلنی و ارزیابی آن با توجه به واقعیت‌های یک پرونده است.^۳ این دادگاه در قضیه «بلاشف» اظهار نظر نمود که صرف وجود اطلاعات طبقه‌بندی شده در یک پرونده، بدون وجود نگرانی‌های مربوط به امنیت ملی، به خودی خود نمی‌تواند دلالت بر لزوم بسته شدن دادگاه برای عموم داشته باشد. در این پرونده، متقاعدکننده‌ترین بخش استدلال قضات استراسبورگ این است که هرچند حفظ اسرار ملی برای دولت‌ها بسیار مهم است، برقراری عدالت و همچنین اجرای دادرسی منصفانه با تمام مصادیق آن که یکی از ضروری‌ترین آن‌ها علنی بودن دادرسی است، اهمیت بسیار بیشتری دارد. با توجه به این ملاحظات، قضات استراسبورگ به اتفاق آرا به این نتیجه رسیدند که به دلیل عدم رسیدگی علنی به پرونده خواهان، نقض بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون صورت گرفته است.^۴ چنین حکمی حدود دوازده سال بعد از قضیه بلاشف، در شکایتی که علیه مقامات کشور آذربایجان مطرح شده بود، مجدداً توسط دادگاه اروپایی صادر گردید^۵ که این امر، نشان از رویه با ثبات این دادگاه در مواجهه با موضوعات مشابه دارد.

1. Case of Colon v. The Netherlands (No.49458/06), 2012, Paras.86-87.

2. National Security

3. Case of Yam v. The United Kingdom (No.31295/11), 2020, Para.55.

4. Case of Belashev v. Russia (No.28617/03), 2008, Paras.83-88.

5. Case of Dadashbeyli v. Azerbaijan (No.11297/09), 2020, Paras.28-30.

دادگاه اروپایی، محاکم ملی را ملزم نموده است که همچون نظم عمومی، برای اعمال محدودیت‌های دادرسی علنی به واسطه حمایت از امنیت ملی نیز باید عنصر «ضرورت» و اصل «تناسب» را در نظر بگیرند.^۱ در این خصوص، علی‌رغم اینکه این مرجع همواره در تشخیص عنصر ضرورت، به مقامات داخلی نظر داشته و دست آن‌ها را برای تبیین دامنه ضرورت در جامعه دموکراتیک باز گذاشته، اما در نهایت، خود دادگاه اروپایی همواره ناظر این امر بوده است و این مسئله را کنترل می‌کند که دولت عضو از حدود خود تجاوز نکنند.^۲ از طرفی، اگرچه اصل تناسب به‌صراحت در متن کنوانسیون نیامده، لیکن به یکی از موضوعات بسیار مهم در رویه دادگاه اروپایی بدل گشته است؛ تا آنجا که حتی برخی^۳ بر این گمان‌اند که «تناسب» در کنار «ضرورت»، به یکی از اصول کلی کنوانسیون تبدیل شده است که برای جلوگیری از خودسری محاکم ملی در تصمیم‌گیری برای غیرعلنی کردن دادرسی‌ها، در نظر گرفته می‌شود. بر این

۱. در محاکم ایران، توجه به عنصر ضرورت و اصل تناسب در محدودیت‌های مربوط به نظم عمومی و امنیت، مغفول مانده است. در این راستا، گستره نامعقول و تفسیرپذیری اصطلاح نظم عمومی و امنیت که اغلب از گونه‌ای ابهام مفهومی برخوردارند و درک مصادیق آن‌ها بسیار دشوار به‌نظر می‌رسد، در عمل زمینه‌ساز برداشت‌های متفاوت و بعضاً بسیار موسع شده است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از محاکمات کیفری را می‌توان به یکی از این مصادیق استثنا ملحق نمود. این موضوع در نظام حقوقی ایران، به‌سبب واگذاری تشخیص آن به دادگاه‌ها و امکان توسل غیرواقعی قضات به آن‌ها و گسترش قلمرو قانون و تعرض به مرزهای آزادی و امنیت افراد، دادرسی علنی را با مانعی جدی مواجه ساخته است. بنابراین، به‌نظر می‌رسد که لازم است قانون‌گذار با اصلاح قوانین حداقلی موجود، مصادیق نظم عمومی و امنیت را به‌طور دقیق تعیین کند و در واقع، در احصای این موضوعات، از شیوه تصریح به مصادیق تبعیت نماید تا با تأمین شفافیت حداکثری قانون، تاب تفسیرپذیری و توسعه عملی مصادیق را کاهش دهد. از طرفی نیز، دادگاهی که می‌خواهد محدودیت اصل علنی بودن دادرسی را به واسطه حمایت از نظم عمومی و امنیت اعمال نماید، باید در هر مورد به‌طور کاملاً روشن و شفاف دلایل موجه خود را بیان کند، و به این ترتیب لازم است نشان داده شود که برگزاری غیرعلنی جلسه دادرسی به‌منظور حمایت از نظم عمومی و امنیت کاملاً ضروری است و راهی به‌غیر از محرومیت مردم و رسانه‌ها از حضور در جلسه دادرسی وجود ندارد که بتوان از طریق آن، عدالت را اجرا نمود. همچنین در صورتی که بتوان با غیرعلنی کردن قسمتی از روند رسیدگی، به اهداف مدنظر نائل شد، صرفاً باید همان قسمت از جلسات، غیرعلنی برگزار شود. بدین ترتیب، باید عنصر ضرورت و اصل تناسب را به‌عنوان مبنا و نقطه شروع اعمال هرگونه محدودیت در مورد ماهیت علنی بودن دادرسی مدنظر قرار داد. لذا مسئولیت توجیه اعمال این محدودیت‌ها باید بر دوش دادگاه باشد تا از این طریق، از سوءاستفاده‌های احتمالی ممانعت شود. بر این اساس، ضروری است که قانون‌گذار در راستای کاستن از توسعه بی‌جهت مفهوم نظم عمومی و امنیت و سوءاستفاده قضات از این اختیار قانونی، مستدل و مستند بودن قرار غیرعلنی بودن دادرسی و قابلیت اعتراض به این قرار را پیش‌بینی نماید تا از این طریق، نظارت قضایی بر این تشخیص دادگاه میسر گردد.

2. Case of Buckland v. The United Kingdom (No.40060/08, 2012, Para.63.

3. Van Dijk, Pieter. and Others. *Theory and Practice of European Convention on Human Rights*, 5th Ed, Cambridge: Intersentia, 2018, P 179.

اساس، امنیت ملی را نمی‌توان به‌عنوان دلیلی برای اعمال محدودیت در برگزاری علنی دادرسی‌ها به منظور پیشگیری از تهدیدهای صرفاً محلی و درون‌شهری یا تهدیدهای ضعیف و ناکارآمد مورد استناد قرار داد.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که محدودیت دادرسی علنی به واسطه رعایت و حفاظت از امنیت ملی در یک جامعه دموکراتیک، در صورتی که هم ضروری باشد و هم متناسب، مورد قبول نظام اروپایی حقوق بشر است و مغایرتی با دادرسی منصفانه نخواهد داشت. با این حال، دادگاه اروپایی بر این باور است که صدور غیرعلنی حکم و پنهان کردن کامل کلیت یک تصمیم قضایی از عموم مردم با دستاویز قرار دادن امنیت ملی، نمی‌تواند ضروری تلقی شود و موجب نقض بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون خواهد شد.^۱

۲.۴. اقتضای مصلحت کودکان و نوجوانان^۲

مجرمان کم‌سن‌وسال نباید به‌خاطر یک اشتباه، برای همیشه برچسب مجرم بودن بر پیشانی آن‌ها زده شود. لذا فرایند علنی بودن دادرسی در محاکم ملی، همواره باید در مورد کودکان و نوجوانان به‌عنوان یک رویه به‌شدت تهدیدکننده تلقی گردد. هرچند که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، معیاری برای تعیین سن کودک و نوجوان و مسئولیت کیفری آن‌ها در نظر نگرفته است، در یکی از دعاوی مطروحه در دادگاه اروپایی،^۳ قضات استراسبورگ به مفاد مقررات پکن^۴ و کنوانسیون حقوق کودک^۵ استناد کرده و به دولت‌های متعاقد یادآور شده‌اند که این سن را خیلی پایین در نظر نگیرند.

کمیسیون اروپایی حقوق بشر در ارجاع پرونده‌ای به دادگاه اروپایی که علیه مقامات انگلستان به دلیل محاکمه علنی دو پسر بچه یازده‌ساله مطرح شده بود، گزارش نمود که آیین دادرسی کیفری انگلستان ممکن است در مواقعی برای شخص یازده‌ساله، هراس‌انگیز و غیرقابل درک به نظر برسد. لذا با توجه به سن خواهان، اتخاذ سازوکارهای مربوط به محاکمه علنی اشخاص بزرگسال در رسیدگی به اتهامات کیفری علیه این کودک در دادگاه ملی، وی را از امکان دفاع

1. Case of Raza v. Bulgaria (No.31465/08), 2010, Para.53.

2. Requirement of the Interest of Juveniles

3. Case of V v. The United Kingdom (No.24888/94), 1999, Paras.73-74.

4. United Nations Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice (Beijing Rules) (1985).

5. Convention on the Rights of the Child (1989).

مؤثر از خود محروم کرده و منجر به نقض بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون شده است.^۱ همچنین در خصوص شکایت دومین نوجوان قضیه فوق‌الذکر، خواهان مدعی شد که با توجه به نحوه دادرسی دادگاه انگلستان و به واسطه محاکمه در دادگاه بزرگسالان، وی از حقوق مندرج در ماده ۳ (عدم رفتار تحقیرآمیز نسبت به متهم) و بند ۱ ماده ۶ (محاکمه منصفانه به واسطه برگزاری غیرعلنی دادرسی نوجوانان) محروم شده است. در این خصوص، قضات استراسبورگ استدلال نمودند که گرچه ممکن است ماهیت دادرسی علنی تا حدودی احساس گناه و اضطراب را در نوجوان تشدید کرده باشد، اما هرگز ویژگی‌های خاص فرایند دادرسی در دادگاه ملی که در مورد وی اعمال شده است، رنجی فراتر از آنچه که به واسطه ارتکاب جرم و تحمل مجازات، سزاوار آن می‌باشد، بر وی تحمیل نشده است. در نتیجه، دادگاه اروپایی در این پرونده، ضمن پذیرش نقض بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون توسط دادگاه انگلستان به واسطه برگزاری علنی محاکمه این نوجوان، نقض ماده ۳ کنوانسیون را احراز نکرد و این قسمت از درخواست خواهان را رد نمود.^۲

توجه به این نکته ضروری است که محدودیت اعمال اصل علنی بودن دادرسی در دادگاه کودکان و نوجوانان، مانع از پذیرش سایر اصول دادرسی منصفانه در مورد این قشر از متهمان نخواهد بود. در این رابطه، دادگاه اروپایی متذکر می‌شود که هر پیشنهادی مبنی بر عدم بهره‌مندی نوجوانان معارض با قانون از تضمین‌های دادرسی منصفانه مندرج در ماده ۶، غیرقابل پذیرش است.^۳

در پایان باید خاطرنشان کرد که افزایش نرخ ارتکاب جرایم پراهمیت توسط افراد نوجوان در دو دهه اخیر، مانند تجاوز جنسی و فاجعه تیراندازی در مدارس، منجر به تغییر نگرش عمومی در مورد نظام عدالت کیفری نوجوانان و تعدیل حق محرمانه بودن دادرسی این قشر شده است. دادگاه اروپایی نیز در این خصوص پذیرفته است که محاکم ملی در برخی جرایم سنگین و با وجود شرایطی خاص، می‌توانند نوجوانان را در دادگاه عالی ویژه بزرگسالان و به صورت علنی محاکمه نمایند.^۴

1. Case of T v. The United Kingdom (No.24724/94), 1998, Paras.95-99.

2. Case of V v. The United Kingdom, op.cit., Paras.78-80.

3. Case of Nortier v. The Netherlands (No.13924/88), 1993, Para.38.

4. Case of V v. The United Kingdom, op.cit., Paras.32.

۲.۵. محافظت از حریم زندگی خصوصی طرفین^۱

اصل دادرسی علنی در تقابل با حریم زندگی خصوصی طرفین، می‌تواند مسئله‌ساز باشد؛ به‌ویژه با در نظر گرفتن اینکه برگزاری علنی دادرسی‌ها بیشتر از طریق حضور رسانه‌ها در دادگاه محقق می‌شود و به‌واسطه انتشار هویت و به‌خصوص تصویر اصحاب دعوا، می‌تواند به حریم خصوصی آن‌ها لطمه وارد آورد. دادگاه اروپایی حقوق بشر علی‌رغم اینکه معتقد است اصطلاح «حریم زندگی خصوصی» یک مفهوم بسیار گسترده است که نمی‌توان آن را در قالب یک تعریف جامع گنجانده؛^۲ اما از مجموع آرای این دادگاه که سابقاً در پرونده‌های مختلفی صادر گردیده است،^۳ می‌توان نتیجه گرفت که جنبه‌های این حق، تمامیت جسمی و روانی یک فرد را شامل می‌شود و بدین ترتیب بخش‌های متعددی از زندگی شخصی، خانوادگی و اجتماعی فرد، هویت جنسی، اطلاعات، اسامی، عکس، اعتبار و آبرو و حیثیت افراد را مورد حمایت قرار می‌دهد. بر همین اساس، چنین موضوعاتی ممکن است اقتضا نماید که عموم مردم و رسانه‌ها از حضور در جلسات دادرسی محروم شوند.

همان‌گونه که قبلاً اشاره گردید، مفهوم علنی بودن دادرسی در برخی مواقع و به‌خصوص در ادبیات رسانه‌ای، در قالب دسترسی به اطلاعات دادگاه‌ها و آزادی بیان به‌کار گرفته شده است. از این‌رو، در ظاهر به‌نظر می‌رسد که بین ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تحت‌عنوان «حق بر احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی»^۴ و ماده ۱۰ کنوانسیون تحت‌عنوان «آزادی بیان»^۵ تقابل و تراحم پیش می‌آید. دادگاه اروپایی حقوق بشر در مقام حل این موضوع در محاکم ملی، اعلام نمود که با در نظر گرفتن نیاز به حمایت از ارزش‌های بنیادین کنوانسیون و با توجه به اینکه حقوق مندرج در مواد ۱۰ و ۸ کنوانسیون بایسته احترام یکسان‌اند، ضروری است که علاوه بر برقراری توازن بین این دو حق در محاکم ملی، ماهیت و غرض آن دو نیز با توجه به موضوع دعوی و محتویات پرونده، حفظ شود.^۶

1. Protection of the Private Life of the Parties

2. Case of Evers v. Germany (No.17895/14), 2020, Para.53.

3. For Example: Case of B v. France (No.13343/87), 1992, Para.63;- Case of Burghartz v. Switzerland (No.16213/90), 1994, Para.24;- Case of Laskey and Others v. The United Kingdom (Nos.21627/93; 21628/93 and 21974/93), 1997, Para.36;- Case of Bensaid v. The United Kingdom (No.44599/98), 2001, Para.47.

4. Right to Respect For Private and Family Life

5. Freedom of Expression

6. Case of Markkinapörssi Oy v. Finland (No.931/13), 2017, Para.123.

با بررسی آرای دادگاه اروپایی مشخص می‌شود که این دادگاه هرگز بدون اینکه سازوکاری را در نظر بگیرد، اصل علنی بودن دادرسی را فدای حق حریم خصوصی نمی‌کند. بر همین اساس، در صورت ارائه ادله خاص مبنی بر آسیب احتمالی به حریم زندگی خصوصی طرفین دعوی از طریق برگزاری علنی دادرسی، اثبات این موضوع از سوی محاکم ملی مبنی بر اینکه آسیب وارد شده به این حریم بیش از آسیب ناشی از محدودیت دادرسی علنی است، ضروری می‌باشد. در این خصوص، دادگاه اروپایی پذیرفت که اگر در جریان دادرسی آشکار شده باشد که خطر تعدی به حریم زندگی خصوصی افراد وجود دارد، دادگاه ملی می‌تواند دستور دهد به جای اینکه عموم مردم از طریق سازوکار از قبل تعیین شده و به‌طور هدفمند از حضور در کل فرایند دادرسی محروم شوند، صرفاً آن جلسه‌ای که شامل این محدودیت است، غیرعلنی برگزار گردد.^۱

۲.۶. منافع عدالت^۲

علی‌رغم اینکه دادرسی علنی باید در راستای اصلی‌ترین هدف دادگاه، یعنی برای اطمینان از اجرای عدالت اعمال گردد، از طرفی نیز باید یقین حاصل شود که علنی بودن دادرسی، مانعی برای اجرای عدالت کیفری در محاکم دادگستری نخواهد بود.^۳ در این خصوص، رویه دادگاه اروپایی حاکی از آن است که این دادگاه به‌عنوان یگانه مرجع تفسیر حقوق مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، موضوع «منافع عدالت» مندرج در بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون را بیشتر در چهارچوب حفظ نظم و امنیت دادگاه بررسی نموده است.^۴ شاید بتوان دلیل این امر را این‌طور توجیه نمود که برای اجرای صحیح عدالت، ضروری است که آداب، نظم و امنیت در صحن دادگاه به‌عنوان سازوکار یک دادرسی کامل و بی‌عیب، مشاهده شود. با این حال، قضات استراسبورگ با این استدلال که مشکلات مربوط به نظم و امنیت جلسات محاکم ملی، ویژگی مشترک بسیاری از دادرسی‌های کیفری است، خاطرنشان می‌کنند که محاکم ملی باید در ابتدای امر با تکیه بر عنصر ضرورت، همه گزینه‌های ممکن را برای تضمین امنیت و ایجاد نظم در دادگاه در نظر بگیرند و در صورتی که می‌توانند با ساده‌ترین روش، نظم و امنیت را برقرار نمایند،

1. Case of Diennet v. France (No.18160/9), 1995, Paras.34-35.

2. The Interests of Justice

3. Jaconelli, J. *Open Justice: A Critique of the Public Trial*, First Ed, New York: Oxford University Press, 2002, P 25.

4. Case of Chaushev and Others v. Russia (Nos.37037/03; 39053/03 and 2469/04), 2016, Para.24

این روش‌ها را به اقدامات سخت‌گیرانه‌تر مانند غیرعلنی کردن جلسه دادرسی، ترجیح دهند.^۱ بنابراین قاضی به‌عنوان مدیر جلسه، باید در ابتدای مراسم به تمام افراد حاضر در دادگاه تذکر لازم را بدهد. همچنین این اختیار را دارد که دستور اخراج آن‌ها را از جلسه دادرسی صادر نماید و حتی در صورت عدم اجرای دستورهای وی، می‌تواند اقدامات انضباطی را نیز به‌کار گیرد.^۲

نکته‌ای که باید بدان توجه نمود، این است که بار اثبات ضرورت اعمال محدودیت در راستای منافع عدالت، بر عهده محاکم ملی است که باید با یک معیار مشخص و ضابطه‌ای مضیق، ثابت نمایند که به هیچ طریق دیگری غیر از برگزاری غیرعلنی دادرسی، نمی‌توان عدالت را اجرا نمود. بنابراین، صرف دلایل غیرمنطقی و گمانه‌زنی‌های بی‌اساس نمی‌تواند کافی و قابل توجیه باشد.^۳

در این رابطه، دادگاه اروپایی در یکی از جدیدترین پرونده‌های تحت رسیدگی خود اعلام نمود که صرف این احتمال که ممکن است برخی از اعضای یک گروه مسلح غیرقانونی و باند سازمان‌یافته، دستگیر نشده باشند، نمی‌تواند محرومیت مردم از حضور در تمامی جلسات محاکمه را به بهانه حفظ نظم و امنیت دادگاه توجیه نماید. در این پرونده، متقاعدکننده‌ترین بخش از استدلال قضات استراسبورگ این است که: نخست، دقیقاً مشخص نیست کدام‌یک از اعضای این گروه هنوز آزادند، لذا هر اظهارنظری در این خصوص، صرفاً یک گمانه‌زنی غیرمنطقی محسوب می‌شود؛ دوم اینکه حتی با فرض وجود چنین مواردی، دادگاه ملی به هیچ مؤلفه عملی و واقعی که بتواند ثابت نماید وجود آن اعضا می‌تواند یک خطر واقعی برای افراد حاضر در دادگاه به‌ویژه قربانیان و شهود محسوب شود، استناد نکرده است.^۴

بنا بر آنچه آمد، می‌توان نتیجه گرفت که دادگاه اروپایی اعمال چنین محدودیتی از سوی محاکم ملی را صرفاً با وجود دو شرط، معتبر می‌داند: ۱- در شرایط خاصی که از قبل در قوانین آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی نشده است و به اعتقاد دادگاه ملی، علنی بودن دادرسی موجب مختل شدن اجرای عدالت می‌شود؛ ۲- در حد ضرورت، که فقط باید به‌صورت مضیق و در اوضاع و احوال بسیار خاص صورت پذیرد.

1. Case of *Krestovskiy v. Russia* (No.14040/03), 2010, Para.29.
 2. Uka, M. "The Right of the Defendant for Public Hearing and the Role of Media in this Publicity", *Acta Universitatis Danubius*, No.1, 2019, P.218.
 3. Dick, T. "Open Justice and Closed Courts: Media Access in Criminal Proceedings in NSW", *Journal Criminal Law*, No.6, 2010, P 2.
 4. Case of *Kartoyev and Others v. Russia* (Nos.9418/13; 9421/13 and 49007/13), 2021, Paras.60-61.

در پایان این پژوهش، لازم به ذکر است که به‌رغم عدم اشاره به مورد ایران به دلیل انتخاب رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر، با عنایت به شکل‌گیری یک الگوی واحد و جامع مربوط به اصول آیین دادرسی، به‌نظر می‌رسد قانون‌گذار و مقامات قضایی کشورمان نیز می‌توانند با شناسایی این موازین، از معیارها و خط‌مشی مورد پذیرش دادگاه اروپایی به‌عنوان یک نهاد جریان‌ساز در حوزه حقوق بشر و شایسته‌ترین الگو برای محاکم ملی، در رابطه با الزامات و محدودیت‌های دادرسی علنی در قوانین کیفری و رویه قضایی الگوبرداری نمایند تا بدین ترتیب، گام مهمی در راستای اصلاح یا تکمیل سازوکارهای مربوط به دادرسی علنی و شفافیت عملکرد دادگاه‌ها بردارند.

نتیجه‌گیری

در نظام اروپایی حقوق بشر، علنی بودن دادرسی به‌عنوان یک استاندارد واحد شناخته نمی‌شود، بلکه به‌عنوان مجموعه‌ای از اصول مرتبط توصیف می‌گردد که هریک از آن‌ها به نوبه خود، انواع ارزش‌های اساسی دموکراتیک و حاکمیت قانون را شکل می‌دهند. بنابراین، دادرسی علنی در پرتو یک مجموعه بزرگ‌تری از الزامات، می‌تواند تحقق اهداف مدنظر خود را دنبال کند؛ به‌طوری که ساختار دادرسی علنی حتی با نبود یکی از این الزامات، تحت‌الشعاع قرار خواهد گرفت. در این راستا، دادگاه اروپایی حقوق بشر به‌عنوان یک نهاد جریان‌ساز در حوزه حقوق بشر، تمامی الزامات دادرسی علنی در محاکم ملی را با دقت و نکته‌سنجی خاصی زیر ذره‌بین قرار داده و با تعیین معیارها و استانداردهای ضروری در این خصوص، به مفهوم کنوانسیون این حق اضافه کرده و بدین ترتیب، به‌منظور تحقق هرچه بهتر اهداف اصل علنی بودن دادرسی در کشورهای متعاقد، گام‌های بسیار مؤثری برداشته است. بر همین اساس، قابلیت حضور عموم مردم در جلسات دادرسی و تمهید لوازم آن مانند ارائه اطلاعات مربوط به زمان و مکان جلسه دادرسی علنی و فراهم کردن امکانات لازم و کافی برای افراد علاقه‌مند به حضور در دادگاه؛ حضوری و شفاهی بودن دادرسی و تدارک مقتضیات آن مانند دعوت از متهم و وکیل وی برای حضور در جلسه محاکمه با رعایت فاصله زمانی معقول برای آماده‌سازی دفاعیات و همچنین برقراری امکان پرسش از شهود طرف مقابل و به چالش کشاندن شهادت آن‌ها برای متهم؛ پوشش رسانه‌ای جلسات دادرسی و تجهیز الزامات آن مانند جواز عکسبرداری و فیلمبرداری از جلسات رسیدگی و انتشار جریان آن در رسانه‌های گروهی؛ و سرانجام علنی بودن حکم با رعایت مستدل و مستند بودن تصمیمات دادگاه، موضوعاتی‌اند که به‌عنوان الزامات دادرسی علنی، به شکلی قابل قبول از سوی دادگاه اروپایی مورد نظارت و حمایت قرار گرفته‌اند و نقض هریک از آن‌ها در محاکم ملی، از نگاه تیزبین این دادگاه دور نمی‌ماند و آن را به‌عنوان یکی از مصادیق نقض اصل علنی بودن دادرسی مندرج در بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی برمی‌شمارد.

از سوی دیگر، مصادیق حصری طرح‌شده در باب صورت‌بندی محدودیت‌های قانونی دادرسی علنی در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (منافع اخلاق، نظم عمومی، امنیت ملی، اقتضای مصلحت کودکان و نوجوانان، محافظت از حریم زندگی خصوصی طرفین، منافع عدالت) و همچنین تحدید هر یک از آن‌ها (محدودیت بر محدودیت‌ها) با استفاده از آرای دادگاه اروپایی،

نشانگر تلاش نظام اروپایی حقوق بشر در راستای سازگاری بین حاکمیت اصل علنی بودن دادرسی و محدودیت‌های قانونی آن در محاکم ملی است. بر همین اساس، قضات استراسبورگ در این رابطه به این نتیجه رسیده‌اند که عنصر «ضرورت»، باید به‌عنوان مبنا و نقطه شروع اعمال هرگونه محدودیت در مورد ماهیت علنی بودن دادرسی در محاکم ملی مدنظر قرار گیرد. در این خصوص، دادگاه اروپایی حقوق بشر علی‌رغم اینکه ارزیابی اولیه مفهوم و قلمرو مصادیق محدودیت‌های دادرسی علنی را بر عهده مقامات داخلی می‌داند و همواره در تشخیص عنصر ضرورت، به محاکم ملی نظر داشته است، اما چنین اختیاری را از سوی آن‌ها نامحدود نمی‌داند. بر این اساس، ارزیابی نهایی را در خصوص اینکه آیا دلایل و مبنای محدودیت‌های دادرسی علنی در محاکم ملی از حیث انطباق با مقررات کنوانسیون مناسب و مرتبط بوده است، از وظایف ویژه خود می‌داند.

در مجموع، با نگاهی به بیش از شصت سال عملکرد دادگاه اروپایی حقوق بشر - که در مقایسه با کنوانسیون، از وضوح و گستره بیشتری برخوردار است - باید اذعان نمود که رویه قضایی این دادگاه، گنجینه‌ای از مباحث راجع به مؤلفه‌ها و تضمین‌های دادرسی منصفانه را به روی ما گشوده و به نوبه خود، موازین گرانبهایی را در نظام بین‌المللی حقوق بشر و نظام‌های دادرسی ملی وارد نموده است. در رأس این مباحث، الزامات و سازوکارهای ویژه در راستای تحقق واقعی دادرسی علنی قرار دارد که در آرای متعدد دادگاه و در پرتو مصادیق ملموس و عینی، شکافته شده است. بدین ترتیب می‌توان اذعان نمود که دادگاه اروپایی با عملکردی مقتدرانه و رویه‌ای به‌دور از تزلزل که حتی از عباراتی یکسان و مشابه در آرای خود بهره برده، توانسته است علاوه بر اینکه معیارها و استانداردهای مدنظر کنوانسیون در خصوص اصل علنی بودن دادرسی را به نحوی قابل قبول اجرایی نماید و محدودیت‌های آن را در راستای حاکمیت این اصل، تنظیم و تعدیل کند، بیشترین کمک را نیز به پیشرفت و توسعه مفهوم دادرسی علنی در نظام بین‌المللی حقوق بشر کرده است. با این حال، نقد اساسی که بر رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر در این خصوص وارد می‌باشد این است که این دادگاه در مورد محدودیت‌های ضروری برای جوامع دموکراتیک، به‌صورت فزاینده‌ای به دکتربین حاشیه تفسیر متکی بوده است و این دکتربین به‌طور قابل ملاحظه‌ای، به‌عنوان مفری برای اعمال محدودیت‌های ناروا پیرامون حقوق بشر در کشورهایی که از لحاظ سنتی به نسبی‌گرایی فرهنگی در رابطه با حقوق بشر متمایل‌اند، به‌کار

گرفته می‌شود. بدیهی است وقتی دادگاه اروپایی ملاک و معیاری برای تشخیص یک مفهوم ندارد، نمی‌تواند تمام پیامدها و نتایج مرتبط با آن مفهوم، از جمله در تعارض قرار گرفتن با آن مفهوم، را تشخیص دهد. از این روست که این مرجع در تحدیدات اعمال شده علیه حقوق و آزادی‌ها، در اغلب موارد، صرف ادعای وجود ضرورت و هدف مشروع برای محدودسازی حق از سوی دولت‌ها را می‌پذیرد و نقض مفاد کنوانسیون را احراز نمی‌کند. این موضوع ممکن است حکومت قانون را تهدید نماید و اعمال حق بر دادرسی منصفانه را با چالش روبه‌رو کند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

مقاله

۱. انصاری، باقر و سیده مهلا امامی الطریقی، آزادی بیان و تحریک به تبعیض نژادی، تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۹، شماره ۹۱، صص ۱۸۴-۱۶۱.
۲. جلالی، محمد و سوگل سودبر، تأثیر دیوان اروپایی حقوق بشر در نظام حقوق داخلی دولت‌های اروپایی، مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۳۹۹، شماره ۱، صص ۷۹-۵۹.
۳. خالقی، علی، علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی، پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۳، شماره ۵، صص ۴۹-۲۹.
۴. مهرا، نسرین و غلامرضا قلی‌پور، اساسی‌سازی نسبی دادرسی منصفانه در قانون اساسی مشروطه، پژوهش حقوق کیفری، ۱۴۰۰، شماره ۳۴، صص ۹۷-۶۳.
۵. یآوری، اسدالله، از «دادرسی» تا «دادرسی منصفانه»؛ تحول در مفهوم و قلمرو کلاسیک دادرسی و تضمینات آن، تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۳، شماره ۶۸، صص ۲۳۸-۲۰۹.
۶. یآوری، اسدالله، رعایت اصل برائت در رسیدگی‌های شبه قضایی در حقوق فرانسه «در پرتو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، تحقیقات حقوقی، ۱۳۸۸، شماره ۴۹، صص ۳۸۵-۳۲۱.

ب) منابع انگلیسی

Books

7. Anite, C. *Open Justice; A Closed or Open Reality For Uganda's Media?*, First Ed, Kampala: Freedom of Expression Hub, 2019.
8. Jaconelli, J. *Open Justice: A Critique of the Public Trial*, First Ed, New York: Oxford University Press, 2002.
9. Oliveira, Bárbara. and Linda Besharaty. *International Commission of Jurists Trial Observation Manual*, First Ed, Geneva: International Commission of Jurists, 2002.

10. Pejic, Jelena. and Vanessa Lesnie. *What Is a Fair Trial (A Basic Guide to Legal Standards and Practice)*, 2nd Ed, New York: Lawyers Committee for Human Rights, 2000.
11. Robinson, M. *Trial Observation Manual for Criminal Proceedings: Practitioners Guide No.5*, First Ed, Geneva: International Commission of Jurists, 2009.
12. Van Dijk, Pieter. and Others. *Theory and Practice of European Convention on Human Rights*, 5th Ed, Cambridge: Intersentia, 2018.
13. Vitkauskas, Dovydas. and Grigory Dikov. *Protecting the right to a fair trial under the European Convention on Human Rights*, 2nd Ed, Strasbourg: Conseil of Europe, 2017.

Articles

14. Cunliffe, E. "Open Justice: Concepts and Judicial Approaches", *Federal Law Review*, No.3, 2012, PP 385-411.
15. Dick, T. "Open Justice and Closed Courts: Media Access in Criminal Proceedings in NSW", *Journal Criminal Law*, No.6, 2010, PP 1-20.
16. Goundry, F. W. "When Can the Courtroom Be Closed in Criminal Proceedings?", *University of Baltimore Law Forum*, No.1, 1990, PP 17-21.
17. Rodrick, Sh. "Achieving The Aims of Open Justice? The Relationship Between The Courts, The Media And The Public", *Deakin Law Review*, No.1, 2014, PP 123-162.
18. Uka, M. "The Right of the Defendant for Public Hearing and the Role of Media in this Publicity", *Acta Universitatis Danubius*, No.1, 2019, PP 214-228.

Judgments

19. Case of Antonov v. Russia (No.72900/11), 2022.
20. Case of Artemov v. Russia (No.14945/03), 2014.
21. Case of B v. France, (No.13343/87), 1992.
22. Case of Bédat v. Switzerland (No.56925/08), 2016.
23. Case of Belashev v. Russia (No.28617/03), 2008.
24. Case of Bensaid v. The United Kingdom, (No.44599/98), 2001.
25. Case of Biryukov v. Russia (No.14810/02), 2008.
26. Case of Buckland v. The United Kingdom (No.40060/08), 2012.
27. Case of Burghartz v. Switzerland, (No.16213/90), 1994.
28. Case of Campbell and Fell v. The United Kingdom (Nos.7819/77 and 7878/77), 1984.

29. Case of *Carvalho v. Portugal* (Nos.55391/13; 57728/13 and 74041/13), 2018.
30. Case of *Chaushev and Others v. Russia* (No.37037/03; 39053/03 and 2469/04), 2016.
31. Case of *Chong Coronado v. Andorra* (No.37368/15), 2020.
32. Case of *Colon v. The Netherlands* (No.49458/06), 2012.
33. Case of *Colozza v. Italy* (No.9024/80), 1985.
34. Case of *Dadashbeyli v. Azerbaijan* (No.11297/09), 2020.
35. Case of *Diennet v. France* (No.18160/9), 1995.
36. Case of *Evers v. Germany* (No.17895/14), 2020.
37. Case of *Friend and Others v. The United Kingdom* (Nos.16072/06 and 27809/08), 2009.
38. Case of *Goodwin v. The United Kingdom* (No.17488/90), 1996.
39. Case of *Handyside v. The United Kingdom* (No.5493/72), 1976.
40. Case of *Hayrapetyan v. Armenia* (No.69931/10), 2021.
41. Case of *Hermi v. Italy* (No.18114/02), 2006.
42. Case of *Hummatov v. Azerbaijan* (Nos.9852/03 and 13413/04), 2007.
43. Case of *Idalov v. Russia* (No.5826/03), 2012.
44. Case of *Jussila v. Finland* (No.73053/01), 2006.
45. Case of *Kartoyev and Others v. Russia* (Nos.9418/13; 9421/13 and 49007/13), 2021.
46. Case of *Kennedy v. The United Kingdom* (No.26839/05), 2010.
47. Case of *Korchagin v. Russia* (No.12307/16), 2018.
48. Case of *Krekhalev v. Russia* (No.72444/14), 2020.
49. Case of *Krestovskiy v. Russia* (No.14040/03), 2010.
50. Case of *Laskey and Others v. The United Kingdom*, (Nos.21627/93; 21628/93 and 21974/93), 1997.
51. Case of *Lena Atanasova v. Bulgaria* (No.52009/07), 2017.
52. Case of *Markkinapörssi Oy v. Finland*, (No.931/13), 2017.
53. Case of *Mraović v. Croatia* (No.30373/13), 2020.
54. Case of *Nortier v. The Netherlands* (No.13924/88), 1993.
55. Case of *Open Door and Dublin Well Woman v. Ireland* (No.5493/72), 1992.
56. Case of *Raza v. Bulgaria* (No.31465/08), 2010.
57. Case of *Riepan v. Austria* (No.35115/97), 2000.
58. Case of *Stanford v. The United Kingdom* (No.16757/90), 1994.
59. Case of *Sutter v. Switzerland* (No.8209/78), 1984.

60. Case of T v. The United Kingdom (No.24724/94), 1998.
61. Case of Tierce And Others v. San Marino (Nos.24954/94; 24971/94 and 24972/94), 2000.
62. Case of Transkop Ad Bitola v. North Macedonia (No.48057/12), 2021.
63. Case of V v. The United Kingdom (No.24888/94), 1999.
64. Case of Yam v. The United Kingdom (No.31295/11), 2020.
- کلیه آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر که جهت مستندسازی در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است، از سایت رسمی این دادگاه به آدرس <https://hudoc.echr.coe.int> قابل دسترسی می‌باشد.